

سبقت‌گامی

خلاصه کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

دکتر محمد مصطفی اسعدی

فهرست مطالب

فصل اول: مباحث پایه	۴
تاریخ:	۴
فرهنگ:	۴
تمدن:	۵
عناصر پیدایش تمدن:	۶
عوامل مانایی و اعتلای تمدن:	۶
اضلاع تمدن:	۷
تجدد:	۷
فرآیند پیدایش تمدن اسلامی:	۸
ارکان محوری تمدن اسلامی:	۸
ادوار تمدن اسلامی:	۹
فصل دوم: شکوفایی تمدن اسلامی	۱۰
ویژگی‌های تمدن ساز فرهنگ اسلامی:	۱۰
۱- معنویت گرایی:	۱۰

۲_ وحدت گرایی:	۱۰
۳_ خردگرایی:	۱۱
۴_ علم گرایی:	۱۱
۵_ عمل گرایی:	۱۱
۶_ جمع گرایی:	۱۲
۷_ نیازگرایی:	۱۲
۸_ نظم گرایی:	۱۲
۹_ پیشرفت گرایی:	۱۲
۱۰_ آینده گرایی:	۱۳
نقش تمدن‌های معاصر در تمدن اسلامی:	۱۳
شکوفایی علمی در تمدن اسلامی:	۱۳
فصل سوم: نهادهای مدنی در تمدن اسلامی	۱۷
الف) نهادهای حکومتی:	۱۷
ب) نهادهای اداری:	۱۸
ج) نهادهای دینی:	۱۸
د) نهادهای علمی_ آموزشی:	۲۰
ه) نهادهای خدماتی:	۲۱
فصل چهارم: گونه‌شناسی هنر و معماری در تمدن اسلامی	۲۲
تعریف هنر:	۲۲
نشانه‌های هنری در فرهنگ اسلامی:	۲۲
هنر اسلامی:	۲۲
ویژگی‌های هنر اسلامی:	۲۲
هنر در تاریخ تمدن اسلامی:	۲۲
تنوع هنر در تمدن اسلامی:	۲۳
۱_ معماری:	۲۳
۲_ خوشنویسی:	۲۴
۳_ نقاشی مینیاتور:	۲۵
۴_ موسیقی:	۲۵
فصل پنجم: تاثیر تمدن اسلامی بر غرب	۲۶
ویژگی‌های پررنگ غربیان در قرون وسطا:	۲۶
الف) بی‌عدالتی ساختاری و نظام طبقاتی:	۲۶
ب) خرافه گرایی و علم گریزی:	۲۶
ج) خشونت و جنایت گسترده:	۲۶
چگونگی اثرگذاری فرهنگ و تمدن اسلامی:	۲۷

گستره‌ی اثرگذاری تمدن اسلامی بر غرب:	۲۷
فصل ششم: بازنمایی رکود و انحطاط تمدنی در جهان اسلام:	۲۸
الف) عوامل درونی:	۲۸
ب) عوامل بیرونی:	۳۰
علل سقوط اندلس:	۳۰
استعمار در جوامع اسلامی:	۳۱
درس هفتم: جهان اسلام در دوران معاصر	۳۲
الف) ظرفیت های موجود در جهان اسلام:	۳۲
۱_ سرمایه فرهنگی جهان اسلام:	۳۲
۲_ موقعیت ژئوپولتیک کشورهای اسلامی:	۳۲
۳_ منابع طبیعی کشورهای اسلامی:	۳۳
۴_ منابع انسانی کشورهای اسلامی:	۳۳
ب) احیا و بازتولید تمدن اسلامی:	۳۳
تمدن نوین اسلامی:	۳۳
بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی:	۳۴
نتایج بیانیه:	۳۴
الزامات امور دانشگاهیان برای تمدن سازی:	۳۵

فصل اول: مباحث پایه

تاریخ:

واژه تاریخ دارای دو معنای شایع است نخست پدیده تاریخی که در بستری از زمان وقوع یافته و به عنوان یک رویداد یا واقعه شناخته می شود و دوم تاریخ به مثابه یک علم و شاخه دانشی که معنایی مجزا از مورد نخست دارد. تاریخ عبارت از رویدادها و رویداد شناسی است. تاریخ شناسان برای علم تاریخ تعاریف متعددی بیان نموده اند:

مطالعه و بررسی روزگاران گذشته

آشکار سازی احوال انبیا و حوادث بزرگ مانند جنگها و فتوحات بر حسب زمان

اندیشه و تحقیق درباره وقایع و مبادی آنها و پژوهش برای یافتن علت آنها.

فرهنگ:

واژه فرهنگ پیشینه ای دارد که فرایند شکل گیری معنای اصطلاحی امروز آن را مشخص میکند. این واژه در ادبیات فارسی به عنوان یک اصطلاح ترکیبی از پیشوند فر به معنای شان و شوکت و هماهنگ با ریشه اوستایی به معنای کشیدن و موج است پس از واژه ترکیبی فرهنگ به معنای پیش کشیدن رفعت و شکوه نمایی است.

برخی تعاریف ارایه شده در باب فرهنگ از سوی متفکران ایران:

زندگی عقلانی

وجه معنوی تمدن

خلقیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت

کلی ترین بینش و نگرش یک جامعه به جهان

ویژگی زندگی انسان یا جنبه های جدا کننده انسان از حیوان.

تعاریف در غرب:

مجموعه ای از شناخت باور، هنر، اخلاقیات، قانون، سنت، ظرفیت ها و عادات که فرد به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند.

در حقیقت فرهنگ را باید حقیقت ای روحی و گسترده در تمام ابعاد حیات انسان دانست که جامع کنش های قاعده‌مند درونی و بیرونی انسان است.

بر اساس این فرهنگ را می توان چنین تعریف کرد: کیفیت حیات موجود یا مطلوب انسان.

احزاب تشکیل دهنده‌ی فرهنگ:

نظام باورها و نگرش‌ها

نظام ارزش ها و گرایش ها

نظام رفتارها و آداب و رسوم

نظام نمادها

تاریخ و فرهنگ هر دو به انسان و حیات انسانی و کنشگری فرد و جامعه بشری مربوط است و تاریخ و فرهنگ به کنش های ارادی انسان می پردازند در واقع تاریخ عرصه ظهور و بروز فرهنگ ها در سراسر جامعه بشری است.

عمده مسائل فرهنگی:

نهاده‌ها: خانواده، مدرسه، دانشگاه

محصولات: کتاب، روزنامه

هنر و رسانه: رادیو و تلویزیون، فضای مجازی.

تمدن:

تمدن معانی مختلفی دارد و اصلی ترین معنایی که عموم محققان به آن توجه دارند شهرنشینی و اقامت در شهر است بنابراین تمدن یا مدنیت مفهومی در برابر بدویت است. در اصطلاح تمدن چند عنصر محوری نقش دارند:

انسان که تمدن وابسته به آن است، حیات جمعی و گروهی انسان که یک اجتماع را پدید می آورد و عناصری که نمود و بروز این تحلیاتی جمعی را به تصویر میکشند. بنابراین در نگاهی کلی می توان گفت تمدن نموده حیات جمعی بشر است. بر اساس این تعریف تمدن در پایه زندگی انسان شکل می گیرد و گروه های حیوانی و گیاهی و حتی موجودات فرامادی را شامل نمی گردد همچنین به ابعاد بارز و آشکار حیات انسان توجه دارد که قابل بررسی و مصداق یابی عینی است. تمدن انفرادی نیست و بعد اجتماعی دارد.

عناصر پیدایش تمدن:

تمدن نیازمند وضعیت و بستری مناسب است که تولد و رشد عناصر تمدن را در آن فضا امکان پذیر گرداند.
عناصر پیدایش تمدن:

انسان:

رکن اصلی شکل گیری یک تمدن انسان است البته انسان انفرادی تمدن ساز نخواهد بود بلکه هسته و توده ای انسانی حرکتی اجتماعی را سامان داده و یک تمدن را بنا می کند.

فرهنگ:

فرهنگ به مثابه نرم افزار شتاب دهنده و آسیب زدایی در مسیر پیدایش تمدن عمل میکند. در واقع سبک اندیشه و زندگی یک جامعه در زایش تعیین کننده است.

دین:

دین و فرهنگ دو عامل متداخل شناخته شده و با عناصر همپوشان خود نقش تمدنی ایفا می کنند زیرا گاهی ایندو همچون یک عامل و گاهی به صورت مجزا یا معارض با یکدیگر موثر می شوند.

جغرافیا:

عامل چهارم که آن را عامل مادی و طبیعی نیز شمرده اند جغرافیا اقلیم و سرزمین است که در واقع زمینه شکل گیری یک تمدن دانسته می شود. این عامل در واقع روشنگر مسئله نیاز است خاستگاه بسیاری از اقدامات تمدن های بشری در طول تاریخ بوده است.

عوامل مانایی و اعتلای تمدن:

امنیت، جهانگردی، نظام مندی و ساختارمندی، تسامح درونی، همبستگی و یکپارچگی، اخلاق مداری و قانون مداری، رفاه نسبی و فشار محدود اقتصادی.

عوامل انحطاط و افول تمدن:

ظلم و تبعیض و بی عدالتی

تجمل گرایی، اشرافی گری و رفاه زدگی

ضعف قوای نظامی

رکود علمی

تزلزل نهاد خانواده.

اضلاع تمدن:

مجموعه فراگیری که تعاریف پیش گفته هرکدام به گونه‌ای از آن حکایت دارد در بستر شهر و سرزمین بروز یافته و در قالبی بر محور انسان به صورت مشهود و ملموس شکل می‌گیرد که از آن به اضلاع یا اجزای تمدن تعبیر می‌شود. این اضلاع در واقع شاخص‌هایی هستند که با سنجش آنها میزان رشد و افول یک تمدن در مقایسه با تمدن‌های دیگر سنجیده می‌شود.

اضلاع تمدن در نگاهی گسترده:

سازمان سیاسی، قانون، دین، اقتصاد و صنعت، علم، هنر، شهرسازی و معماری، قوای نظامی ادبیات.

رابطه فرهنگ و تمدن:

عام و خاص: تمدن عام و فرهنگ خاص

تباین: دو مفهوم متمایز

ترادف: دو مفهوم یکسان

بود و نمود: تمدن نمود فرهنگ

تجدد:

واژه دیگری که گاه در کنار تمدن به کار می‌رود تجدد است که این واژه به معنای نو شدن است. تجدد نوعی نظم اجتماعی جدید یا فرهنگ جدیدی است که پس از سپری شدن یک دوره تمدنی جامعه سنتی پدید آمده است. در کنار این واژه امروزه واژه مدرنیته و مدرنیسم نیز مطرح می‌شود. مدرنیته در دوره‌های تاریخی است که پس از قرون وسطا ظهور نموده و ویژگی‌های متعددی دارد:

سرمایه داری،

اعتقاد به قانون گذاری توسط عقل بشری و حاکمیت خودبنیاد بشر،

اومانیسم و بشرانگاری به عنوان ویژگی عصر مدرن.

بعثت نبوی و تولد فرهنگ اسلامی:

فرهنگ جدید اسلامی چند ویژگی مهم داشت:

به صورت عمده در تعارض با فرهنگ عمومی جامعه عصر نزول شناخته می شد. باورها و رفتارهای فراوانی از مردمان عرب حجاز توسط قرآن و شخص پیامبر به نقد کشیده شد و بر لزوم انطباق باورها و رفتارها با فرهنگ معیار تاکید شد،

این فرهنگ نه به صورت یکجا بلکه به تدریج و در یک فرآیند به جامعه و جهان بشری عرضه گردید و بسیاری از آموزه های وحیانی به صورت واکنشی در برابر کنش های ضد ارزشی افراد جامعه منتقل گردید،

سازه ذاتی و نخستین فرهنگ وحی است که در قالب قرآن به بشر عرضه شد. این محتوا مخاطب خود را عموم ملل جهان دانسته و پیام های خود را در خطاب به جامعه بشری با لفظ انسان و خطاب به جامعه ایمانی با لفظ مومن بیان فرموده است.

هجرت نبوی و تولد تمدن اسلامی: نخستین هسته تمدنی در میان جمعیت مسلمانان با هجرت رسول خدا در سال سیزدهم بعثت شکل گرفت. رسول خدا در شهری که بسیاری از مردمانش با پیمان اطاعت بسته بودند حیات تمدنی و شهر آیینی مسلمانان را رقم زد. در این مرحله هم محتوای وحی الهی بعد نظام سازی و تقنینی یافت و هم اقدامات نبوی بعد اجتماعی پیدا کرد. بنابراین نخستین تمدن اسلامی به رهبری رسول خدا در شرایطی کاملاً خاص ایجاد گردید.

فرآیند پیدایش تمدن اسلامی:

ارائه فرهنگ وحیانی

ابلاغ عمومی پیام فرهنگی

همراهی جمعیت شهری

هجرت به بستر جدید شهری

ایجاد نهادهای مدنی

شکل دهی ارتباطات فرهنگی تمدنی

تمدن اسلامی مدینه الرسول.

ارکان محوری تمدن اسلامی:

فرهنگ اسلامی

پیشوایان اسلامی

امت اسلامی

سرزمین های اسلامی.

ادوار تمدن اسلامی:

شکل گیری تمدن اسلامی در مفهوم کلان خود بیش از دو قرن به طول انجامید. از اوایل قرن سوم پدیده تمدن اسلامی رو به پیشرفت حرکت کرد. قرن ۴ تا اوایل قرن ۷ اوج تمدن اسلامی بود، قرن ۷ تا قرن ۱۰ رکود و توقف بود، قرن ۱۰ تا ۱۲ دوران تجدید بود، قرن ۱۳ و ۱۴ دوران انحطاط بود و قرن ۱۴ عصر بازگشت.

فصل دوم: شکوفایی تمدن اسلامی

با نقش بی نظیر رسول خدا در بستر سازی و پایه ریزی هسته مرکزی تمدن اسلامی در مدینه النبی این روند به صورت یک جریان پیوسته مسیر تمدن ساز خود را در پیش گرفت و بر مبنای داشته های درونی خود و دستاوردهای بیرونی توانست در مدت زمانی اندک جهان را تحت تاثیر خود قرار دهد و پس از چند سده به تمدن تراز جهانی در ابعاد مختلف اجتماعی به ویژه علمی بدل گردد.

ویژگی های تمدن ساز فرهنگ اسلامی:

فرهنگ اسلامی مهمترین عاملی است که شکوفایی تمدن اسلامی را رقم زده و به عنوان فرهنگ معیار از دو مولفه اصلی قرآن و اهل بیت تشکیل شده است همچنان که رسول خدا آن دو را جدایی ناپذیر اعلام کرده و تمسک به آنها را عامل رهایی از ضلالت و گمراهی به عنوان ضد ارزش در این فرهنگ معرفی می نماید.

۱- معنویت گرایی:

مهمترین مولفه در فرهنگ ادیان الهی به صورت عام و در دین اسلام به صورت خاص توجه به معنویت برپایه توحید و خداباوری است که بر تمام ابعاد زندگی انسان اثر گذار است. معنویت ناظر به باور ارتباط روحی و قلبی انسان مسلمان با خدا و اولیای الهی و نیز تعهد و مسئولیت پذیری وی نسبت به حیات جاودان اخروی تعریف می شود. پیش از هر عامل فرهنگ ساز دیگری مانند قانون معنویت و باور قلبی انسان به خدا در بعد اجتماعی و سرزمینی می تواند هنجار مندی به دنبال بیاورد. معنویت از منظر فرهنگ تمدنی یعنی باور قلبی و روحی آحاد یک جامعه به ارزشهای فرامادی غیبی اعم از توحید و معاد و شکل دهی حیات اجتماعی بر اساس این باور.

معنویت در فرهنگ اسلامی در قالب ها و هنجارهای گوناگونی نمود یافته است مانند:

لزوم تصفیه عمل و اخلاص در انگیزه و نیت برای هر کار مثبت،

تاکید بر فراوانی یاد خدا و آموزش و ترویج دعاها و اذکار آن،

توجه دادن به پاداش ها و مجازات های اخروی ذیل آموزه معاد.

۲- وحدت گرایی:

آموزه توحید در بعد اجتماعی در موضوع وحدت و همبستگی اجتماعی قابل پیگیری است. آموزه های توحیدی فرهنگ اسلامی مسلمانان را به دوری از تفرقه فرا می خواند و قرآن به مسلمانان چنین می فرماید که همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. وحدت در میان مسلمانان در سایه اطاعت از دستورات خداوند شکل می گیرد و مشخص می گردد که هر اختلافی در جامعه ناشی از نافرمانی از خداوند است. رویکرد وحدت

گرا در فرهنگ اسلامی حتی ناظر به پیروان دیگر ادیان هم دیده می شود و قرآن کریم اهل کتاب را دعوت می کند تا در موضوعات مشترکی مانند خدا پرستی و دوری از شرک هم افزایی داشته باشند.

۳- خردگرایی:

خرد و خردورزی که در فرهنگ اسلامی از آن با عنوان عقل و تعقل نام برده می شود گزاره های دینی بسیاری را به خود اختصاص داده است.

جایگاه عقل: محبوب ترین مخلوق خدا، دوست هر انسان و حجت میان بنده و خدا.

کارکرد عقل: وسیله بندگی خدا، وسیله دستیابی به بهشت و وسیله میانه روی و عدم اسراف.

در فرهنگ اسلامی نگاه واقع گرا به جایگاه عقل در زندگی انسان به گونه ای است که حتی آفت های آن نیز تشریح شده است. گفتنی است که عقل ساعتهای متعددی دارد که شامل عقل نظری، عقل عملی و عقل ابزاری است.

عقل نظری مسیر درک حقایق هستی و بود های موجود در جهان هستی است. عقل عملی مسیر درک وظایف انسان و باید های رفتاری است. عقل ابزاری ضامن تامین معاش انسان است.

۴- علم گرایی:

دیگر ویژگی فرهنگ اسلامی که نقش مهمی در تمدن سازی داشته اهتمام به جایگاه دانش است. علم و عالم و معلم همگی در فرهنگ اسلامی ارزش گذاری شده تا دانشمند و آموزگار و دانشجو بر محوریت ارزش علم ارزشمند شناخته شود. علم در فرهنگ اسلامی هم پیشوای عقل انسان و هم پیشوای عمل انسان است یعنی هم می تواند فکر انسان را رهبری کرده و به رشد عقلانی کمک کند و هم می تواند رفتار انسان را مدیریت کند عملکرد انسان دانش محور و عالمانه باشد.

نکته مهم در علم آموزی در فرهنگ اسلامی ترویج همگانی آن است این ویژگی فرهنگ اسلامی برخاسته از متن اصیل آن یعنی قرآن کریم است.

۵- عمل گرایی:

اهتمام به معنویت و عقل و علم در عمل گرایی نظام رفتاری فرهنگ اسلامی نمود یافته است. دین اسلام همواره از انسان عمل پسندیده و صالح می طلبد و صاحبان گفتار های بی عمل را نکوهش کرده تصریح می کند که خدا عمل هیچ عاملی را ضایع نمی کند. همچنین برخی اعمال را شیطانی می شمارد و معیار رتبه بندی انسانها را اعمال آنها می داند. در نگاه کلان این فرهنگ انسان باید برای آبادانی زمین به کوشد همچنان که قرآن می فرماید: اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

ارزش گذاری کار و عمل: تلاش شرط قبولی دعا، تلاش برای خانواده همسان جهاد در راه خدا، لزوم بهره مندی از طبیعت، فقر ثمره ترویج تنبلی و ناتوانی، برترین جزء عبادت کسب حلال.

۶- جمع گرایی:

فرهنگ اسلامی به منش اجتماعی و اقدامات و حرکات جمعیت توجه فراوان دارد برای نمونه در موضوع سبک زندگی غذا خوردن دسته جمعی توصیه می شود که دارای برکت است. همچنین در توجه به ارتباطات و جمع های خانوادگی آموزه پیوستگی با خویشان و بستگان با ضوابط مشخص تعریف شده تا گسست های خانوادگی در جامعه پدید نیاید.

۷- نیاز گرایی:

نیاز گرایی یعنی هر هنجار در فرهنگ اسلامی تامین کننده یکی از نیازهای انسان است؛ نیازهایی که در عرصه های جسمی و روحی و روانی هرکدام به گونه ای با کاربست آموزه های اسلامی تامین میشود. این رویکرد با ارزش گذاری تامین نیازهای مردم تعریف می شود. در مرحله بعد قوانین و مقرراتی تعریف می شود تا بر اساس آن ها جامعه بتواند نیازهای خویش را با نقش مثبت خود تامین کند که این موضوع را در تعریف حقوق و وظایف متقابل به روشنی می توان درک نمود. در مرحله بعد از اصول کلی و کلان به جامعه دینی و دانایان عرضه می شود تا افراد بتوانند بر اساس آن اصول قاعده را استخراج کرده و نیازهای خود را در هر عصر و زمان تامین کنند. توجه به نیاز سنجی عمومی و نیاز های بین المللی انسان از مواردی است که فرهنگ دینی علاوه بر آنکه به نیازهای درونی امت اسلامی توجه نشان دهد نیازهای سایر انسان ها را هم در نظر دارد.

۸- نظم گرایی:

به کار بستن دقیق و عمیق آموزه های دینی عامل انتظام در حیات انسانی است که هم نظم در رفتار های شخصی و هم رفتارهای اجتماعی را پوشش میدهد برای مثال آموزه نماز اول وقت منهای ارزش گذاری معنویت نوعی نظم در زمان بندی برای انسان ایجاد می کند. فرهنگ اسلامی نظم در استمرار کنش های ارزشمند عادت سازی هنجار ها را می آموزد.

۹- پیشرفت گرایی:

فرهنگ اسلامی ایستایی، توقف در حرکت فردی و اجتماعی را به هیچ وجه تجویز می کند. این فرهنگ پیروان خود را به تحرک و پیشرفت در عرصه های مختلف حیات دنیوی فرامی خواند و بخشی از این موضوع در علم گرایی این فرهنگ نمایان است. پیشرفت گرایی این فرهنگ ابعاد وسیعی دارد برای نمونه پیشوایان دین کسی را که دو روزش مساوی باشد زیانکار دانستند. از همین رو اتلاف وقت و پرداختن به مسائل بی ارزش با پیشرفت انسان منافات دارد به عنوان ناهنجار معرفی شده است. در فرهنگ اسلامی پیشرفت همراه با عدالت ارزش

گذاری می شود تا جامعه بشری از هرگونه استعمار و استبداد محفوظ بماند به همین جهت گاهی رشد معنوی شخص با پیشرفت مادی منافات پیدا کرده و ارزش هایی مانند قناعت در مصرف تعریف شده تا انسان رو به خود گرایی نیاورد.

۱۰- آینده گرایی:

آموزه ها و هنجارهای دین اسلام بر اساس رویکرد آینده نگری و آینده سازی به جامعه بشری عرضه می شود و این آینده در یک مقطع ناظر به حیات ابدی و اخروی انسان است و در مقطعی محدود تر ناظر بر آینده فرد و جامعه در همین حیات دنیوی.

در باد اجتماعی ضوابط ارتباط با آحاد جامعه را ناظر به آینده افراد و گروهها در نظر میگیرند برای مثال در روابط دوستانه نه به آینده این روابط توجه داشته است.

مهمترین موضوع در آینده گرایی که هم امیدآفرین است و هم تحرک را آموزه مهدویت است ست که مشترک میان مذاهب اسلامی و بسیاری از ادیان دیگر است. موضوع کاربردی برای جامعه اسلامی در باور مهدویت تلفیق آن با عمل گرایی است یعنی مهدویت علاوه بر آنکه یک امید و دغدغه مسئولیت آفرین است برترین عبادت و بهترین عمل نیز خوانده می شود.

نقش تمدن های معاصر در تمدن اسلامی:

بر اساس دیدگاه تمدن پژوهان دو مسئله خارج از تمدن اسلامی در شکوفایی آن اثر گذار بوده است:

جذب نقاط مثبت تمدن های دیگر، رفع نقاط منفی تمدن های دیگر.

جذب نقاط مثبت تمدن های دیگر:

ارتباط و جذب پیروان ادیان، ارتباط با حکمرانان، ارتباط و جذب دانشمندان، ارتباط عمومی با اقوام و نژادها.

تمدن های موثر هم عصر تمدن اسلامی :

تمدن ایرانی،

تمدن یونانی،

تمدن هند،

تمدن چین.

شکوفایی علمی در تمدن اسلامی:

تمدن اسلامی بر پایه داشته های فرهنگی خود در آموزه های قرآن و اهل بیت و تلاش جمعی مسلمانان و بهره گیری از دیگر تمدن ها توانست تمدنی جهانی ایجاد کند.

شکوفایی تمدن اسلامی در عرصه شهرسازی، توسعه تشکیلاتی و اداری، گسترش سرزمینی، هنر و معماری بروز یافت اما مهمترین جنبه شکوفایی تمدن اسلامی در جهش علمی پدید آمده است که حاصل چند امر است:

سیاست گذاری ها،

ارج گذاری ها،

هزینه کردها.

علوم انسانی و شاخه های آن در تمدن اسلامی:

۱- تفسیر و علوم قرآن: تفسیر قرآن به معنای آشکار سازی پیام های جزئی و کلی آیات و سوره های قرآن کریم است. قرآن کریم در کنار دعوت به تفکر و تعقل در جهان به اندیشه ورزی در آیات وحی نیز دعوت فرموده است. نخستین اثر تفسیری در بدو تاریخ تمدن اسلامی قرآنی است که امام علی در سه یا شش ماه جمع آوری نمود. در طول تاریخ تمدن اسلامی تا به امروز متون تفسیری فراوانی از سوی مفسران شیعه و سنی نگاشته شده است که هر کدام با سبک و سیاق خاصی است.

علوم قرآن دانشی غیر از علم تفسیر است. علوم قرآن در واقع نقش مقدماتی نسبت به قرآن دارد ناظر به شناخت کلی و شناسنامه ای کتاب وحی است و مسائلی مانند نزول قرآن و گونه های آن، کاتبان و نگارندگان قرآن، قرائات قرآن و صیانت و تحریف نشدن قرآن در این علوم مطرح است.

۲- فلسفه و کلام:

فلسفه را به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت پدیده ها دانسته اند که دانشی عقلی و در حوزه اندیشه ورزی است. آموزه های فلسفی در فرهنگ اسلامی در درجه نخست در قرآن کریم عرضه گردید و آیات وحی و انسان شناسی و هستی شناسی خاصی به جهان بشری عرضه نمود. قرآن کریم چیستی و چگونگی و چرایی موجودات جهان را در دو دسته کلی آفریدگار و آفریده بیان فرموده آن راه مبدا و منتهای انسان و هستی را توصیف نموده است. از جمله فیلسوفان برجسته تمدن اسلامی میتوان به فارابی و ابن سینا اشاره کرد.

مهمترین آموزه های کلام اسلامی را باید در گفتار اهل بیت جستجو کرد در حالی که در ادوار مختلف تاریخ اسلام فرق انحرافی باورها و عقاید ناصحیح پدید آمدند، اهل بیت کلام ناب اسلامی را در جامعه اسلامی منتشر کرده و تفکر اصیل توحیدی را حفظ نمودند.

۳- فقه و اصول فقه:

فقه به معنای فهم و شعور و آگاهی است و قرآن کریم توصیه می کند از هر جمعیت گروهی برای تفقه و فهم دین سفر کنند. فقه به معنای اصطلاحی به عنوان یک دانش مستقل عقلی شناخته می شود عبارت است از

توانایی استخراج فروع دین و احکام شرعی و فقه اسلامی به سر تعیین و تعریف حقوق اسلامی است که قوانین حقوقی و کیفری را مشخص میکند. منابع فقه اسلامی آیات قرآن و سیره معصومین در کنار عقل است و فقیه برای استخراج احکام شرعی باید بر علومی مانند تفسیر و تاریخ و از همه مهمتر اصول فقه مسلط باشد.

منابع حدیثی فقه شیعه:

الكافی، من لا یحضره الفقیه، من لا یحضره الطیب، تهذیب الاحکام، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار.

منابع حدیثی فقه اهل سنت: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن آبی داوود، سنن ترمذی، سنن نسائی، سنن ابن ماجه.

تاریخ:

در تمدن اسلامی نخستین ارزش گذاری نسبت به دانش تاریخ از سوی قرآن بوده است. تاریخ نگاری به مثابه یک دانش نخست با ثبت و ضبط اخبار زندگی و سیره رسول خدا توسط برخی محدثان آغاز گردید. بعدها نگاه به تاریخ به سایر عرصه های اجتماعی هم راه یافت.

علوم تجربی:

آنچه امروزه به عنوان علوم تجربی در طبقه بندی رایج دانشگاهی تعریف می شود دربردارنده طیف وسیعی از رشته ها از پزشکی و دام پزشکی و گیاه شناسی گرفته تا زمین شناسی و اقیانوس شناسی است.

شیمی: در عرصه علوم تجربی به صورت کلی و دانش شیمی به صورت خاص پر آواز ترین دانشمند جهانی مسلمان جابر بن حیان است که شاگرد مسلم امام صادق بود. جابر را باید به صراحت موسس شیمی آزمایشگاهی دانست. علاوه بر جابر بن حیان، رازی، فارابی، ابن سینا، خوارزمی نیز از دانشمندان شاخص علم شیمی بودند.

پزشکی:

گسترده ترین عرصه علوم تجربی در تمدن اسلامی را می توان دانش پزشکی یا علم ابدان دانست. در فرهنگ اسلامی صحت جسم انسان به عنوان ارزش شناخته شده و از عواملی که باعث ایجاد بیماری می گردد پرهیز داده شده است. آموزه های طبی اهل بیت که به صورت پراکنده در منابع حدیثی موجود است در دوره های مختلف تمدن اسلامی تجمیع و منتشر شد. تولید علم و دستیابی به کشفیات جدید در جهان پزشکی از مراحل شکوفه های پزشکی در میان مسلمانان بود عمده نقش دانشمندان مسلمان در همین مرحله بوده است. مرحله دیگر شکوفایی پزشکی پیشرفت فناورانه پزشکی با اختراع ابزار های جدید بود که پزشک و جراح مسلمانی به نام زهراوی در اثری از خود بیش از ۲۰۰ ابزار پزشکی را به همراه تصویر معرفی کرده است.

جغرافی:

جهانگردی و توجه به سرزمین های دیگر در فرهنگ اسلامی از ابعاد مختلف مورد توجه است. قرآن کریم یکی از روش های عبرت آموزی را سیر در زمین و مشاهده آثار پیشینیان بیان فرموده است و همچنین سفرهای واجب مانند حج و سفر های مستحب مانند عمره در فرهنگ اسلامی ارزش گذاری و توصیه شده است. علاوه بر این ابعاد اقتصادی سفر نیز مورد توجه بوده است و در سیره رسول خدا سفرهای تجاری وجود داشته است. سیره رسول، تمامی مسائل فرهنگی و اهمیت جغرافیا و شناخت سرزمین ها را آشکار می نمود.

ریاضیات:

ریاضی دانشی در حوزه کمیت و به معنای فن محاسبه اعداد است و اصول آن شامل هندسه و عدد و نجوم و تالیف بوده است. نقش مسلمانان در دانش ریاضی به صورت عمده در دو بعد مورد توجه بود: نخست ترکیب ریاضیات برگرفته از مکاتب شرقی هندی و غربی یونانی و دوم گسترش و پیشبرد دانش ریاضی در ابعاد گوناگون.

فهرست دستاوردهای ریاضی دانان مسلمان:

ابداع روش های گوناگون برای یافتن پاسخ معادلات درجه دو و سه

ایجاد علم جبر

کشفیات جدیدی در دانش مثلثات و کره ها

ایجاد مفاهیم جدید در تئوری اعداد.

فیزیک و مکانیک: دانش مکانیک که ناظر به اختراع و ابداع ابزار هایی برای تسهیل امور زندگی است و نیز یافتن راه حل برای اموری که انسان به صورت دستی قادر به انجام آن نبوده است. در میان مسلمانان این رشته دارای مهندسان بسیار برجسته ای است که اقدامات بزرگی در این زمینه انجام دادند.

نجوم: خورشید و ماه و ستارگان در فرهنگ اسلامی از جهات مختلف اهمیت یافته اند مسلمانان در نهضت ترجمه برخی متون نجومی یونانی و هندی را ترجمه کرده اند و همزمان به شرح و تفسیر آن متون نیز پرداختند. علاوه بر این نظریات علمی پیشینیان و دانشمندان گذشته توسط اندیشمندان مسلمان ارزیابی و نقادی شد از جمله نظریه زمین مرکزی بطلمیوس. دانش نجوم در جهان اسلام با ایجاد رصدخانه به صورت نظام مند عملیاتی گردید که این امر قابل توجه است زیرا هر چند مسلمانان نخستین گروهی نیستند که به نجوم پرداختند اما نخستین کسانی بودند که با ابزار های بزرگ در رصدخانه ها فعالیت های نجومی داشتند.

ابزارهای نجومی دانشمندان مسلمان:

کره سماوی، انواع اسطرلاب، جداول نجومی

فصل سوم: نهادهای مدنی در تمدن اسلامی

هر واحد تمدنی فارغ از آنکه به یک ساختار نظام مند نیاز دارد دارای نهادهایی است تا بتواند به وسیله آن ها فعالیت های اجتماعی را ساماندهی کند و پیشرفت در مسیر اهداف از پیش تعیین شده را استوار بدارد. هر نهاد به صورت مشخص از سه عنصر عمده تشکیل شده است: ابعاد انسانی، ساختاری، محیطی و عناصر متناظر به ترتیب: فعالان در نهاد، ضوابط حاکم بر نهاد، امکان و امکانات نهاد.

تجمع این سه عنصر در هر تمدنی یک نهاد مدنی را پدید می آورد که بر اساس نوع آن نهاد کارکردهای اجتماعی متفاوتی می یابد.

الف) نهادهای حکومتی:

یکی از شاخصه های عمومی هر تمدن داشتن نوعی حکومت است که نظم اجتماعی را در جامعه تحقق بخشد و جامعه را به شیوه مشخصی مدیریت کند و نیز میان اجزا و ارکان تمدن ارتباط و هماهنگی ایجاد کند تا جامعه دچار هرج و مرج و آشفتگی نگردد. شاخصه های نهاد حکومتی اسلامی:

بیعت، اطاعت، قانون اساسی نبوی، فرامین نبوی، انتصابات نبوی، اجرائیات نبوی و ارتباطات نبوی.

۱- خلافت و امامت:

رسول خدا بر اساس آموزه های وحیانی دوران پس از غیبت خود را نیز پیش بینی کرده بودند و سیره ایشان آن بود که به هنگام ترک مدینه علی را به عنوان جانشین خود در شهر تعیین کنند و این جانشینی در مرگ پیامبر ضرورت بیشتری می یافت. بنابراین ایشان نهادی را با عنوان خلافت تعریف کردند و همواره علی را خلیفه خویش می نامید تا جایگاه خلافت از همین نقطه شکل بگیرد. افراد حاکم بر نهاد خلافت یکی از عوامل مهم اعتلا یا انحطاط تمدن اسلامی در ادوار گوناگون شناخته می شود. برخی در راستای خلافت نهاد ولایت عهدی را نیز به عنوان یک نهاد مستقل در تمدن اسلامی برشمرده اند که این نهاد در دوران امویان شکل گرفت و در دوران عباسیان گسترش یافت.

۲- وزارت:

وزیر به معنای معاون و پشتیبان و یاور است. رسول خدا در میان بستگان خویش برای موازرت فراخوان داد که تنها علی اعلام آمادگی کرد و در تاریخ تمدن اسلامی جایگاه خاص این عنوان تا پیش از دوران بنی عباس وجود نداشت. در نخستین سال های حکومت عباسیان مقامی در حکومت وضع شد تا برخی یا عمده وظایف مدیریتی خلیفه به وی واگذار شود مانند نظارت بر دیوان محاسبات و نظارت بر فرستادن نامه ها از جهت حفظ اسرار خلیفه.

این جایگاه حکومتی بر دو گونه استوار می گردید:

وزارت تنفیذ و وزارت تفویض.

۳- قضاوت:

نظام قضایی در تمدن اسلامی نخست در دست فرد حاکم بود. در روند گسترش تمدن اسلامی و افزایش نیاز به قاضی و داور میان مردم به تدریج جایگاه قضاوت از نهاد حاکمیت جدا گردید این سیاسی و قضایی حاکم از هم تفکیک شد. در دوره حکومت عباسی مناسبی با عنوان قاضی القضاات به وجود آمد که امری مهم و تاریخی در تشکیلات قضایی تمدن اسلامی به شمار می رود.

وظایف این نهاد:

حل مخاصمات و دعاوی،

سرپرستی دارایی مجانین و ایتام و محجوران،

رسیدگی به موقوفات،

اجرای وصایای اموات.

ب) نهادهای اداری:

ارتباط دولت و ملت در هر تمدن عموماً از طریق نهادهای اداری سامان می یابد و تمدن اسلامی نیز از این عمومیت مستثنا نبوده نهادهایی برای تامین احتیاجات عمومی شکل گرفتند. هنگامی که تمدن اسلامی رو به گسترش جغرافیایی نهاد الزامات سازمانی در عرصه حکومت نیز افزایش یافت. از این رو حکومت به تاسیس اداراتی اقدام کرد که هر کدام نقشی در اداره امور جامعه داشتند و به عنوان یک دیوان شناخته می گردید. نهاد اداری را دیوار می نامیدند چون دارای قوانین مشخص برای اقدامات گروه‌های مشخصی از جامعه بود.

ج) نهادهای دینی:

بر اساس رویکرد جمع گرایانه فرهنگ اسلامی انجام مناسک دینی به صورت جمعی اولویت یافت و این موضوع به روشنی وابسته به نهادی است که مرکز تحقق این اجتماع و در هر محله و هر شهر از تمدن اسلامی پایگاه حضور جمعی مسلمانان باشد.

۱- نهاد مسجد: مسجد به علت کارکرد های گوناگون آن تمدن ساز ترین نهاد مدنی در تمدن اسلامی بوده است. سیره نبوی نشان می دهد که این مرکز دینی در واقع محلی فراگیر برای تمام فعالیت های مثبت اجتماعی چه دینی و چه دنیوی بوده است. ارزش گذاری نهاد مسجد:

ساخت مسجد، حضور در مسجد، اعتکاف در مسجد، حفظ حرمت مسجد، تنظیف مسجد، عبادت در مسجد.

۲- نهاد حرم امامان و امامزادگان:

دیگر نهاد دینی در تمدن اسلامی که در برخی کشورهای اسلامی وجود داشته حرم امامان و امامزادگانی است که مکانی مقدس شناخته می شود. از آنجا که اجر معنوی زیارت حضور مردم مسلمان را در این اماکن رونق بخشیده است حرم امامان و امامزادگان در تمدن اسلامی به عنوان قطب فرهنگی شناخته می شود زیرا این نهادها و برنامه های اجرایی در آنها به سرافرازی تدین و اخلاق عمومی و زمینه سازی برای معرفت افزایی نسبت به باورهای دینی است.

۳- نهاد یا سازمان وکالت:

در اوایل عصر عباسیان نهادی سری از سوی امامان معصوم شکل گرفت که هم بعد دینی هم بعد علمی و هم بعد خدماتی داشت. در این نهاد افرادی به صورت شبکه ای از وکلای امام در میان مردم بودند که از یک سو مسئول انتقال پیام ها و مطالبات ائمه از شیعیان و از سوی دیگر پل ارتباطی شیعیان با امامان بودند. علت عمده شکل گیری این نهاد دشمنی عباسیان با امامان و شیعیان بود. گستره جغرافیایی سازمان وکالت همه مناطقی بود که جمعیتی از شیعیان در آن منطقه حضور داشتند.

۴- نهاد مرجعیت و سازمان روحانیت:

پس از آن که سازمان وکالت در دوران حضور ائمه و در دوران غیبت صغرا نقش اجتماعی خود را ایفا کرد، با آغاز غیبت کبرا نهاد دیگری در تمدن اسلامی موجودیت یافت که پررنگ ترین نقش دینی را در جامعه اسلامی و به ویژه ای ایفا می نمود. نهاد مرجعیت برخاسته از فرهنگ اسلامی و آموزه اجتهاد در فقه شیعی است که ظرفیت مدیریت و هدایت دینی و شرعی جامعه را عهده دار است. نهاد مرجعیت در تمدن اسلامی جایگاه دینی و علمی خود را ابتدا در مساجد ایفا می نمود و به تدریج دارای اماکنی مختص امور دینی گردید. کارکردهای این نهاد:

تولید محتوای دینی، کادرسازی دینی، نظارت و اصلاح دینی، پاسخگوی دینی و تبلیغ و آموزش دین.

۵- نهاد اقلیت های دینی:

در فرهنگ اسلامی آزادی انتخاب عقیده امری اصیل شمرده می شود. اما باورها و اعتقادات انسان امری تقلیدی شمرده نمی شود و در دین اسلام اکراه در دین وجود ندارد به این معنا که اول آن اندیشه کسی را نمی توان بر پذیرش یا رد یک باور هرچند صحیح اجبار و اکراه نمود و فکر انسان در هر شرایطی آزاد است حریم خصوصی افراد در چگونگی تدین به هر دینی یا اساساً بی دینی آزاد و محترم شمرده می شود تا جایی که به حریم عمومی و افکار عمومی آسیبی وارد نشود.

(د) نهادهای علمی- آموزشی:

هدیه فرهنگ اسلامی به جامعه بشری عمومی سازی علم بوده است.

قرآن کریم و رسول خدا یکی از شئون نبوی را به عنوان مرجع علمی و دینی جامعه اسلامی علم آموزی شمرده‌اند. علاوه بر این منش اهل بیت در جامعه اسلامی همین رویه را آشکار می سازد.

ابعاد نقش اهل بیت به عنوان یک پایگاه منحصر به فرد علمی:

فردی: نظریه پردازی علمی، پاسخگویی علمی به پرسش گران و تالیف تخصصی.

گروهی: جلسات درس علمی، مکاتبات علمی، مناظرات تخصصی

تشکیلاتی: فرهنگ سازی در علم آموزی، سیاست گذاری علمی.

۱- مساجد:

از آنجا که در فرهنگ اسلامی این مبنای عقلانی و علمی دارد، مسجد هم یک نهاد دینی و هم یک نهاد علمی بوده است و مسجد الحرام از آغاز پیدایش اسلام تا دوران عباسیان یکی از نهادهای آموزشی به شمار می رفت و امامان معصوم نیز در مسجد الحرام و مسجد النبی مناظرات علمی با افراد مختلف می پرداختند.

۲- مدارس:

در تاریخ تمدن اسلامی خانه های برخی از اساتید و علما حکم مدارس خصوصی را داشت که در آن جلسات آموزشی برگزار می گردید. از قرن پنجم هجری مدارس به اصطلاح دولتی شکل گرفت که در پوشش حکومت بودند که در برخی شهرهای تمدن اسلامی مانند بغداد و نیشابور افتتاح شدند که مهمترین آنها نظامیه بغداد بود.

۳- کتابخانه:

کتاب و کتابخوانی مقوله‌ای فرهنگی و کتابخانه موضوعی تمدنی است. در تاریخ تمدن اسلامی پیش از تالیف همه کتاب های علمی در تمدن اسلامی قرآن کریم به عنوان کتاب به جامعه بشری معرفی شد خاستگاه وحیانی داشته و معجزه جاوید رسول خاتم بود. جایگاه کتاب در فرهنگ اسلامی و سبک زندگی دینی بسیار ارزشمند است و اهل بیت گاهی دستور به نوشتن بعضی مسائل علمی داده و یا برخی مطالب را به یاران خود املا می کردند.

۴- بیت الحکمه و دارالحکمه:

دارالحکمه محل گردهمایی دانشمندان و مترجمان کتابهای علمی در تمدن اسلامی بود. نهضت ترجمه در این مرکز علمی به شدت پیگیری می شد به همین دلیل برخی بیت‌الحکمه را عبارت از مجلسی می دانستند که برای ترجمه یا نسخه برداری یا تدریس یا تعلیف یا تحقیق احداث شده بود.

۵_ دارالعلم:

دارالعلم ها مراکزی علمی برای تعلیم و تربیت و آموزش مذهب و دارای کتابخانه نیز بودند. بخشی از دارالعلم قاهره کتابخانه این مرکز علمی بود که ارزش فراوانی داشت و تهیه این کتاب ها یا از طریق انتقال گنجینه های موجود در کاخ ها و یا خرید کتاب ها بوده است. همچنین دارالعلم بخشی علمی و آموزشی نیز داشت که بسیار شبیه بیت الحکمه بود.

۶_ رصدخانه:

در دین اسلام اجرام آسمانی از آیات الهی به شمار می روند که تأمل در پیدایی و آفرینش و کارکردشان انسان را بر مدار توحید ارجاع می دهد. بر اساس این علاوه بر تحقیقات علمی دانشمندان شکل گیری نهاد علمی برای مطالعات و مشاهدات دقیق علمی در احوال ماه و ستارگان ضروری می نماید. رصدخانه ها از لحاظ فنی دارای پیشرفته ترین امکانات روز بودند و مهمترین کاری که در رصدخانه مراغه صورت گرفت تهیه جداول نجومی و گردآوری هزاران کتاب نجومی بود.

۷_ جامع الازهر:

فاطمیان خود را منسوب به حضرت فاطمه و فرزندان ایشان می دانستند و در مصر حکومتی شی تشکیل دادند به همین دلیل این مرکز علمی را بر اساس ارادت فاطمیان به حضرت فاطمه به این نام، نامیدند. مجالس دینی موعظه و نیز حلقه های فراوان علمی در طول سال در این مرکز علمی برقرار بود و در کنار علوم لغوی و عقلی دروس تجربی و کاربردی نیز دایر بود.

۸_ جامع قزوین: در قرن سوم هجری بانوی مسلمانی به نام فاطمه محمد فهری در راه دین و دانش میراث خود را هزینه کرد و مرکزی عبادی و آموزشی احداث کردند. این مرکز ابتدا به عنوان بخشی از یک مسجد شکل گرفت و سپس به عنوان یک دانشگاه شناخته شد.

ه) نهادهای خدماتی:

۱_ بیمارستان

۲_ گرمابه

فصل چهارم: گونه شناسی هنر و معماری در تمدن اسلامی

هنر یکی از ودیعه های الهی در وجود آدمی است زیرا که انسان آفریده خدا و آفرینش های هنری انسان هم به ذوق خدادادی اوست. همه زیبایی های مصنوع بشر از قریحه ای حکایت دارد که خاستگاهش خداوند زیبایی آفرین است.

تعریف هنر:

هنر در لغت به معنای پیشه و صنعت و فراست و لیاقت است. معادل عربی این واژه فن است مانند فن خطابه. تعریف هنر از یک جهت همانند تعریف فرهنگ و تمدن است که از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گرفته و تنوع تعریف در مورد آن فراوان است. به طور کلی هر اندیشمندی بنا به نوع نگاه خود از هنر تعریفی ارائه داده است. هنر به هر کنش و پردازش و آفرینش برخاسته از ذوق و سلیقه و سرشت زیباجویی آدمی اطلاق می شود که احساسات متعالی انسانی را برمی انگیزد. هنر برخاسته از استعداد و نبوغ انسان و وسیله ای برای بیان عواطف و احساسات است و زاییده روح و احساس متعالی آدمی است.

نشانه های هنری در فرهنگ اسلامی:

بر اساس نگرش توحیدی علاقه به زیبایی در وجود و فطرت انسان از ناحیه خداوند است. خداوند با اشاره به زیبایی ها حس زیبایی دوستی و زیبایی طلبی انسان را تحریک میکند تا بان گریستن و تفکر و تدبر در آنها اسباب آگاهی و منشأ هدایت انسان به کمال الهی را فراهم آورد.

هنر اسلامی:

قید اسلامی هنر را هدفمند نموده و به آن سمت و سو می بخشد و رویکرد آن را الهی می سازد. هنر اسلامی مجاهده ای زیبایی شناسانه است تا انسان مبدا حسی را بشناسد و او را به حقیقت ماورایی پیوند دهد. اسلام زیبایی را به تنهایی مطلوب تلقی نکرده بلکه زیبایی را با کمال مورد تامل قرار می دهد. بنابراین هنر اسلامی هنری است که ابزار گسترش انسانیت و عدالت و محور ستمگری و استبداد در تمام سرزمین های جهان باشد و لذا آن اثر هنری که حقارت پستی و ظلم پذیری را ترویج کند نقطه مقابل هنر اسلامی است.

ویژگی های هنر اسلامی:

توحید گرایی و وحدت گرایی، معنا گرایی، اخلاق گرایی.

هنر در تاریخ تمدن اسلامی:

در دوران آغازی تمدن اسلامی در مدینه هنر به معنای امروزی آن نموده مجزایی نداشت. در صدر اسلام شعر مهمترین هنر عرب بود تا آنکه فتوحات مسلمانان موجب شد اعراب بادیه نشین پرشکوه کاخ های ایرانیان و یونانیان دیده بگشایند. آنان با جهانی از هنرهای زیبا و فنون معماری آشنا شدند و خشونت آن ها به عواطف

و ذوق تبدیل شده و در ادوار بعدی این هنرها سبک های نوین و شاهکارهای زیبا و بدیع هنری را پدید آورد و مسلمانان ملل مختلف نقش آفرینی هنری خود را با تاثیر از فرهنگ اسلامی بروز دادند.

تنوع هنر در تمدن اسلامی:

فرهنگ اسلامی با توجه به ویژگی هایی که پیش از این بیان شد و توانست اقوام مختلف نژادی و ملی را جذب کند و فرهنگ نسبتاً متحدی از آداب و سنن گوناگون پدید آورد و این عامل مهمترین ابزار در ترکیب سبک های بومی به شمار می رفت.

۱- معماری:

از نخستین آثار معماری در صدر اسلام خانه کعبه بود که جنبه های آیینی این بنا بیش از جنبه های هنری چشمگیر بود. در دوران ۱۰ ساله هجرت تا رحلت پیامبر مظاهر ابتدایی معماری اسلامی شکل گرفت که از جمله نمونه های روشن آن می توان به بنای مساجدی چون مسجد النبی و مسجد قبا اشاره کرد.

شکل گیری معماری اسلامی:

از پایان سده اول هجری فرمانروایان مسلمان در سرزمین های فتح شده به ساختن مسجد و کاخ های باشکوه تر از بناهای دوران پیش از اسلام روی آوردند. در معماری اسلامی به کاربرد مادی و معنوی بنا ها توجه شده است.

بناهای مذهبی: مساجد، آرامگاه ها، مدارس و مصلی

بناهای غیر مذهبی: پل ها، کاخ ها، کاروانسراها و ...

به طور کلی از مشخصات عمده معماری اسلامی، طاق نما و قوس و طاق گهواره ای و گنبد و مناره و گلدسته و محراب است. از عناصر امیدهای که در زینت کاری معماری اسلامی به کار گرفته شده به گچبری و کاشی کاری و شباک سازی و کتیبه نویسی به انواع خوشنویسی ها می توان اشاره کرد.

برخی نمونه های معماری اسلامی:

الف) دوره امویان:

مسجد قبه الصخره

مسجد الاقصی

ب) امویان آندلس:

مسجد قرطبه

مدینه الازهر

(ج) دوره عباسیان:

مسجد ابودلف

مسجد ابن طولون در فسطاط

مسجد قیروان

مسجد جامع سامراء

(د) دوره فاطمیان مصر:

مسجد الازهر قاهره

(و) دوره صفویه:

میدان نقش جهان اصفهان

مسجد شیخ لطفالله

مسجد امام

عمارت عالی قاپو

۲_خوشنویسی:

در قرآن کریم قلم جایگاه والایی داشته و موضوع یکی از سوگند های کتاب وحی است. در آیات دیگر خداوند قلم را وسیله آموزش معرفی نموده و توجه می دهد که این خداوند است که به وسیله آن به انسانها آنچه را نمی دانند می آموزد. بر اساس این در فرهنگ اسلامی قلم ابزاری مقدس بوده نوشته قلم ارزشمند شمرده می شود و بر همین اساس مسلمانان بر اهمیت و جایگاه ممتاز کتابت پی بردند. خوشنویسی یکی از زیباترین هنرهای دستی است که در بسیاری فرهنگ ها به اقتضای زبان و الفبای آن فرهنگ وجود دارد. این هنر در دوران اسلامی از پرکاربرد ترین هنرها بوده و در عرصه هنرهای دیگر مثل معماری و نقاشی هم کاربرد دارد. خوشنویسی در مراحل تکاملی با نقوش کتیبه ای همراه شد؛ نقوشی که در آن آیات قرآن نوشته می شد و در کاشی کاری و تزئین مساجد به کار می رفت. به تدریج در دوره تیموری و صفوی هنر خوشنویسی در خدمت معماری اسلامی قرار گرفت به جزئی از عناصر تزئینی مساجد و مدارس و آرامگاه ها تبدیل شد. در واقع خوشنویسی ریشه و اصل معماری اسلامی است.

۳_نقاشی مینیاتور:

این نوع نقاشی خاص مشرق زمین به ویژه ایران در قرن نهم اسلامی بیشتر متداول بوده است. مکاتب نقاشی مینیاتور های ایرانی از اولین قرون بعد از اسلام آغاز شده است و نقاشی مینیاتور ایرانی در قرون اولیه بعد از ظهور اسلام در ترکیب با خط عربی تداوم یافته و بهترین نسخه های قرآن کریم را هنرمندان مبتکر ایرانی نوشته اند. مکاتبی که از مینیاتور ایرانی پدید آمد:

مکتب شیراز، مکتب هرات، مکتب تبریز، مکتب اصفهان، مکتب قزوین.

۴_موسیقی:

در فرهنگ اسلامی به موسیقی در وهله اول برای اذان و تلاوت کتاب آسمانی با صوت خوش توجه شد. اهتمام مسلمانان به مراعات عملی علم تجوید و رعایت اصول قرائت قرآن کریم که به آهنگ خوش و دلنشینی انجام می شد و توصیه به قرائت قرآن با صدا و آهنگ خوش باعث گرایش مسلمانان به موسیقی شد. پس از گسترش فتوحات اسلامی و مواجهه مسلمانان با تمدن های کهن آن روزگار موسیقی رایج در این تمدن ها به طبع آنان شیرین آمد و آن را ترویج کردند.

فصل پنجم: تاثیر تمدن اسلامی بر غرب

واژه غرب یا جهان غرب اصطلاحی است در مقابل شرق که از ابعاد مختلف قابل توجه است عموماً این واژه به معنای روشن‌ترین مفهوم آن یعنی شرق و غرب جغرافیایی دانسته شده. غرب مفهومی سیاسی نیز دارد ناظر به سال‌های جنگ سرد بوده و بر اساس این عبارت بود از اردوگاه‌های کشورهای اروپایی و ژاپن و آمریکای شمالی که دارای رژیم‌های اقتصادی سیاسی سرمایه داری نیمه خصوصی و سوسیال دموکرات بودند. بنابراین غرب یک مجموعه تاریخی و فرهنگی است که غیر از غرب جغرافیایی و غرب سیاسی است و عمده ویژگی آن در نظام بینشی بر اساس اومانیزم و سرمایه داری است.

ویژگی‌های پررنگ غربیان در قرون وسطا:

الف) بی‌عدالتی ساختاری و نظام طبقاتی:

همان نظام طبقاتی که در جامعه رومی قبل از سقوط وجود داشت، بعد از سقوط روم نیز در جامعه اروپایی به چشم می‌خورد. در قرن یازدهم میلادی در اروپا از هر ۱۰ نفر ۹ نفر رعیت‌هایی بودند که در زمین نجیب‌زادگان و اشراف کار می‌کردند. حاکمان محلی مالیات سنگین می‌گرفتند و مأموران مالیاتی نیز بر مردم سخت‌گیری می‌کردند.

ب) خرافه‌گرایی و علم‌گریزی:

بخش دیگری از عقب ماندگی اروپا در عرصه علمی بود که از این جنبه نیز اوضاع وخیم‌ای داشت. به گزارش برخی از غربیان این گفتار رایج بود که انجام دادن تحقیقات علمی و شناخت طبیعت تنها هدر دادن و سوء استفاده از توانایی عقل است و باید این نیرو را تنها برای امور دینی صرف نمود.

ج) خشونت و جنایت گسترده:

نتیجه طبیعی ظلم و بی‌عدالتی از یک سو و خرافه‌گرایی و علم‌گریزی از سوی دیگر ایجاد جامعه‌ای است که در آن رفتارهای میان مردم بر مدار انسانیت نیست و آلوده به خشونت و جنایت است. تفتیش عقاید نوعی بازجویی و بازپرسی بود که در آن اعتقادات مردم بررسی می‌شود و اگر کسی اعتقادات شما موافق معیارهای کلیسا نبود مجازات می‌گردید. علت دیگر این خوی خشونت آن بود که غربی آن همواره خود را برتر از مردم شرق دانسته و شرق را فاقد اصالت می‌پنداشتند که این موضوع نوع آشکاری از نژاد پرستی بود که نژاد‌های جامعه بشری را طبقه بندی کرده و خود را برتر از دیگران می‌شمرد.

اذعان غربیان به تاثیرپذیری از تمدن اسلامی:

بسیاری از غربیان متعصبانه اثرپذیری گسترده‌ای که غرب از تمدن اسلامی داشته را منکر شده و حتی در تلاش برای وارونه نمایی آن اقداماتی چون نگاشتن تاریخ علم جدید کرده‌اند که بتوانند به طور کلی نقش اسلام و مسلمانان را در پیشرفت علمی خود از صفحات تاریخ محو کنند. پس در واقع مسلمانان در برابر غربیان با توده‌ای از کینه‌های انباشته ضد اسلامی مواجه بودند. البته دانشمندان بسیاری از غرب به نقش و تاثیر اسلام در پیشرفت تمدن غربی اشاره کردند برای مثال ویل دورانت در تاریخ تمدن خود درباره ابعاد اثرگذاری مسلمانان و اثرپذیری غربیان می‌نویسد.

چگونگی اثرگذاری فرهنگ و تمدن اسلامی:

همان‌گونه که فرهنگ و تمدن ابعاد گسترده‌ای دارد مسیر های جهان گردی و انتقال آن نیز متنوع است. در تاریخ تمدن اسلامی اثر گذاری بر تمدن غربی به گونه های زیر محقق گردیده است:

۱- گسترش سرزمین های اسلامی

۲- آشنایی با تمدن اسلام در جریان جنگ های صلیبی

۳- ترجمه متون علمی مسلمانان در اروپا

۴- سفرها و مشاهدات

گستره‌ی اثرگذاری تمدن اسلامی بر غرب:

۱- سبک زندگی

۲- ادبیات و زبان

۳- معماری و شهرسازی

فصل ششم: بازنمایی رکود و انحطاط تمدنی در جهان اسلام

انحطاط در لغت به معنای فرو افتادن و به زیر آمدن است. واژگانی مانند رکود و ایستایی نیز با معانی نزدیک به انحطاط ترجمه شده است. در مفهوم انحطاط تمدنی دو عنصر توقف پیشرفت یا ایستایی و نیز پسرفت و عقب ماندگی لحاظ می گردد. در حالی که مسلمانان در قرون چهارم و پنجم طلایه دار تمدنی جهانی بودند و در اوج شکوه، در قرون بعدی دچار رکود و ایستایی شدند و جایگاه پیشین خود را از دست دادند. عوامل انحطاط تمدن اسلامی دو دسته اند:

الف) عوامل درونی که ناظر به مولفه های مجموعه تمدنی بوده و ریشه در درون عناصر تشکیل دهنده آن تمدن دارد.

ب) عوامل بیرونی که از خارج مرزهای سرزمین اسلامی پدیدار گشته یا از سوی عناصری غیر از امت اسلامی به تمدن اسلامی ضربه وارد آورده.

الف) عوامل درونی:

بروز عوامل درونی انحطاط در تمدن اسلامی به صورت خرد یا کلان پیشینه ای به قدمت شکل گیری تمدن اسلامی دارد. عوامل داخلی انحطاط تمدن اسلامی:

۱- انحراف از اسلام ناب:

اسلام ناب به معنای دین خالص ای است که از هر پیرایه خالی بوده و مبتنی بر آموزه های اصیل اسلامی باشد. آموزه های اصیل اسلامی یعنی آیات قرآن و سنت نبوی که قرآن کریم بر پیروی از آن تاکید فرموده است. برداشت نادرست و انحرافی از آموزه های قرآن و پیامبر باعث انحراف در مسیر تمدن اسلامی است.

یک) جایگاه عترت و امامت:

قرآن کریم همواره به اطاعت از رسول خدا فرمان داده و رسول خدا نیز عترت خود را وزنه همسان کتاب خدا معرفی نمود و تمسک به آن دو را ضامن مصونیت از گمراهی شمرد اما برخی جریان ها در تاریخ اسلام با طرح شعارهای تفکیکی میان سنت نبوی با قرآن یا اهل بیت با قرآن جدایی انداختند.

دو) مفهوم قضا و قدر:

باور اسلامی با آنکه اراده الهی را حاکم بر تمام اراده ها دانسته ذیل اراده الهی برای انسان نیز اختیار و توانایی تعریف کرده است. حاکمان طرفدار جبر برای زدودن دامن خود از جنایات متوسل به جبر می شدند و اعمال خود را خواسته خداوند و سرنوشت آن افراد می دانستند در حالیکه خداوند برای هر پدیده ای علل و اسباب ویژه ای دارد اراده و اختیار انسان نیز جزء اسباب پیدایش فعل است.

سه) کج اندیشی در باور مهدویت:

انتظار منجی در فرهنگ اسلامی به عنوان افضل اعمال شیعیان معرفی شده به معنای اعمال و رفتار های فردی و جمعی است که بتواند ظهور منجی را زمینه سازی کند. هرچند از سوی برخی به پذیرش فساد تفسیر شد. نمونه هایی از انحرافات را می توان در موارد زیر یافت:

برداشت از آموزه تقیه به ظلم پذیری و ترک جهاد

برداشت از اعتقاد به آخرت، به محرومیت از زندگی

برداشت از آموزش صبر به کناره گیری از مسئولیت ها

۲_ استبداد حکومتی:

استبداد در لغت به معنای یکه و تنها به کاری پرداختن است در بعد سیاسی به طرز حکومتی گفته می شود که فرمانروایان آن مقید به قانون نباشند و به میل و اراده خود کار کنند. پایه گذار استبداد در تاریخ اسلام حکمرانان اموی بودند که علاوه بر ترویج فرهنگ جاهلی خود محوری نیز بوده و اراده ای برای شایسته سالاری یا حتی استفاده از نظر شایستگان نداشتند. عباسیان نیز در استبداد دست کمی از خلفای اموی نداشتند با این تفاوت که آنان استبداد خود را در سایه برخی اقدامات مثبت تمدنی پوشش داده بودند. به طور کلی می توان گفت در طول تاریخ تمدن اسلامی تغییر اندیشه سیاسی و تبدیل خلافت و خدمت به سلطنت و قدرت طلبی از آسیب های پر دامنه شناخته می شود.

۳_ اشرافی گری و دنیا طلبی:

رسول خدا به عنوان الگوی کامل جهان اسلام در تمام ادوار تاریخ چنان می زیست که از هر نوع زندگی اشرافی به دور بود و خوراک و پوشاک و مسکن او در حد عادی ترین افراد جامعه بود. با آغاز خلافت امویان دنیا گرایی و تجمل یکی از آفات حکومتی شد و سبک حکومتی مخالف سیره پیامبر شکل رسمی به خود گرفت. فساد درباریان و پایمال کردن حقوق و مستضعفان، کاخ نشینی و راه اندازی مجالس باده گساری و شعرخوانی و غفلت از حل مشکلات مردم را در پی داشت که خود زمینه انحطاط تمدن اسلامی را موجب می شود. از طرفی به دلیل گسترش سرزمین های اسلامی فرایند فتوحات تجمل و اشرافی گری شکل ویژه ای به خود گرفت به طوری که حتی به معاویه به خاطر تجمل در پوشیدن لباس های فاخر اعتراض کردند.

۴_ تحجر و جمود:

تحجر و جمود به معنای ایستایی و تحول ناپذیری است ست که علت نپذیرفتن حق و گرایش به سعادت واقعی است. تحجر نقطه مقابل تحول خواهی و خلاقیت است آزاد اندیشی به عنوان یکی از لازمه های آزادی در جامعه با وجود تحجر امکان پذیر نبوده است. در کنار عوامل رکود تفکر اسلامی گسترش صوفی گری در قرون

ششم و هفتم هجری نیز افزوده شد که پیامد حمله مغولان بود. اهل تصوف در برابر اهل شر و پیروان عقل شهود و اشراق را وسیله درک حقایق معرفتی کردند و عقل و استدلال را ناکافی شمردند.

۵_ وابستگی حاکمان به بیگانگان:

تمدن اسلامی با فرهنگ دینی خود توانست بسیاری از مردمان سرزمین های دیگر و نخبگان را به خود جلب کند اما در بخش تاریخی وابستگی به سردمداران و حاکمان قدرت های بیگانه باعث از هم گسیختگی حرکت تمدنی شد که نمونه روشن آن دوره قاجار است.

۶_ فرقه گرایی:

فرقه گرایی یعنی اینکه در جامعه تمایزات بر اشتراکات اولویت یابد و هر گروه و قشر جامعه نقطه تمایز خود با گروه های دیگر را برای ایجاد اختلاف در حرکت جمعی امت قرار دهد. در دوره تاریخی صدر اسلام گیری جریان های مختلف سیاسی و اجتماعی و اعتقادی امت اسلامی را از همبستگی دور کرد. پدید آمدن چنین چالشی در تمدن اسلامی ناشی از علل زیر بود:

قدرت طلبی برخی خواص جامعه مانند عملکرد طلحه و زبیر در جنگ جمل،

افراط گرایی در آموزه های اصیل اسلامی،

ظاهر گرایی و تعقل نداشتن در آموزه های دینی.

ب) عوامل بیرونی:

برخی به طور کلی سه عامل تهاجم نظامی و اقتصادی و فرهنگی را عوامل خارجی انحطاط برشمردند.

۱_ جنگ های صلیبی

۲_ حمله مغولان

۳_ سقوط اندلس

علل سقوط اندلس:

برخی از آنها جنبه داخلی و برخی دیگر جنبه خارجی داشتند:

عوامل داخلی:

بسیاری از اعمال دوران جاهلیت از جمله زن بارگی و میگزاری به سبک دوران جاهلی در زمان بنی امیه رواج یافت.

دستگیری و شکنجه و کشتار مردم از کارهای معمول حاکمان اموی بود.

درآمد دولت به جای آن که برای امور مردم صرف شود صرف تجمل و خوشگذرانی حکومت می شد.

نظام حکومت اسلامی در زمان امویان حکومت استبدادی موروثی و فردی بدل گردید.

عوامل خارجی:

تهاجم نظامی و باز پس گیری سرزمین اندلس: بازپس گرفتن سرزمین های تحت تصرف مسلمانان از سوی پاپ به منزله تکلیفی دینی به مسیحیان ابلاغ شد و در این میان برخی عوامل به پیشرفت مسیحیان در این راستا کمک کرد.

تهاجم فرهنگی:

اروپاییان در برنامه های دراز مدت توانستند باورهای مسلمانان را تضعیف کنند و یکی از سرداران مسلمان عرب مسیحیان را در این تهاجم یاری رساند.

استعمار:

در کنار سایر عوامل بیرونی انحطاط استعمار یکی از علل متعدد در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی است که مربوط به دو سده اخیر است. استعمار گران همواره در صدد دست اندازی به سرزمین های مسلمان بودند تا به هر طریق بر منابع مادی و استراتژیک جهان اسلام مسلط شوند. استعمار در لغت به معنای طلب آبادانی است و در اصطلاح امروز به معنای اعمال نفوذ و مداخله دولت های قوی در سرزمین ها و کشور های ضعیف.

استعمار در جوامع اسلامی:

یکی از نقاط هدف اصلی در مسیر جریان استعمار ملل مسلمان و سرزمین های اسلامی بوده است. برنامه ها و اقداماتی که استعمارگران برای نفوذ در سرزمین های اسلامی اعمال کردند:

اختلاف افکنی و برهم زدن وحدت مسلمانان، تخریب شخصیت های اصیل اسلامی، غارتگری در قالب قراردادهای اقتصادی و سیاسی، قداست زدایی از مقدسات اسلامی، شرق شناسی، تشکیل سازمان های مرجع بین المللی، فرهنگ سازی با رویدادهای بین المللی.

علل بحران فرهنگی و معنوی تمدن غرب:

افول معنویت در فرهنگ غربی

توسعه تکنولوژی و صنعت بدون پشتوانه فرهنگی

تضاد علم سکولار و دین.

درس هفتم: جهان اسلام در دوران معاصر

جهان اسلام اصطلاحی است ناظر به کشورهایی که در آن ها یکی از دو مولفه زیر وجود داشته باشد:

دین رسمی کشور اسلام باشد و قوانین اسلامی بر آن حاکم باشد،

بیشتر مردم آن سرزمین مسلمان باشند هرچند دین رسمی اسلام نباشد.

بنابراین جهان اسلام عبارت است از گستره جغرافیایی جمعیتی در جهان که گروه ها و اقشار معتقد یا معترف به مسلمانی و مقدسات اسلامی را پوشش داده باشد هرچند در یک مرز سیاسی مشخص نباشد. جهان اسلام بیش از آنکه بیانگر یک موقعیت جغرافیایی باشد معرف هویت یک و نیم تا دو میلیارد انسان است که دارای آیین مشترک اند.

الف) ظرفیت های موجود در جهان اسلام:

مقصود از ظرفیت در این بخش امکانات و داشته ها و موقعیت های قابل استفاده ای است که دسترسی به آنها ممکن و بهره‌مندی از آنها ممکن باشد. امروزه در جهان اسلام ظرفیت تمدن سازی از چند بعد قابل توجه است:

فرهنگی: آموزه های قرآن و اهل بیت، میراث فرهنگی و تاریخی تمدنی.

محیطی: موقعیت جغرافیایی جهان اسلام، منابع طبیعی جهان اسلام.

انسانی: دانشمندان و نخبگان مسلمان، نیروی کار در جهان اسلام.

۱- سرمایه فرهنگی جهان اسلام:

مسلمانان با داشتن تاریخ و پیشینه مشترک همچنین قبله مشترک و اعیاد و جشن های مشترک، آداب مشترک و مناسک جمعی مشترک و از همه مهم‌تر قرآن کریم که محتوای مقبول مشترک میان مذاهب اسلامی است می توانند به همگرایی دینی دست یافته و با این اشتراکات مانع شکاف های ناشی از تفاوت های قومیتی و ملیتی گردند. جهان اسلام امروزه ظرفیت فرهنگی دیگری نیز دارد که مسلمانان صدر اسلام نداشتند و این ظرفیت تجربه تاریخی جوامع پیشین اسلامی است.

۲- موقعیت ژئوپولتیک کشورهای اسلامی:

یکی از ظرفیت‌های ارزشمند و بی نظیر جهان اسلام در مقایسه با سایر ملل موقعیت ژئوپلیتیک سرزمین‌های اسلامی است. ژئوپولتیک در اصطلاح یعنی مطالعه چگونگی تاثیر پذیری سیاست ها از عوامل جغرافیایی که ذیل جغرافیای انسانی تعریف می شود. آگاهی از موقعیت جغرافیایی سرزمین های اسلامی به فهم بهتر ظرفیت‌های موجود جهان اسلام کمک می کند.

۳_ منابع طبیعی کشورهای اسلامی:

سرزمین های اسلامی از لحاظ طبیعی از سرشار ترین مناطق زمین به شمار می روند. کشورهای اسلامی به پنج نوع تقسیم می شوند:

کشورهای پیرامون خط استوا با آب و هوای گرم و مرطوب و پر باران،

کشورهایی در کمربند صحرایی و بیابانی با آب و هوای گرم و خشک،

کشورهایی با آب و هوای مدیترانه‌ای با یک فصل خشک و یک فصل پر باران،

مناطق با آب و هوای معتدل،

مناطق با آب و هوای کوهستانی که در نواحی مرتفع بسیاری از کشورها وجود دارد.

۴_ منابع انسانی کشورهای اسلامی:

چالش مهم جهان اسلام در بخش منابع انسانی فرار مغزها و پدیده مهاجرت است چه عوامل گوناگونی دارد و علت عمده آن ضعف علمی و امکانات در کشور مبدا است. ریشه ای ترین و فوری ترین راه حل، بازیابی تمدن اسلامی در بعد علمی و فنی است و اگر جهان اسلام و کشورهای اسلامی از حیث تمدنی سرآمد گردند به قطب علمی جهان بدل گردیده و از حیث مادی نیز نخبگان خود را پوشش خواهد داد.

ب) احیا و بازتولید تمدن اسلامی:

احیای تمدن اسلامی و بازتولید آن به صورت عمده به مسئله انحطاط تمدن اسلامی مربوط است. همانطور که انحطاط تمدن آن را به سوی زوال و نابودی می برد احیای تمدن تلاشی فراگیر در جهت اعتلای مجدد یک تمدن است. با توجه به سرمایه ها و ظرفیت های موجود در ملل اسلامی تجدید تمدن پیشرفته اسلامی شدنی است و این موضوع را احیای تمدن اسلامی می نامند در واقع ملت اسلامی باید بکوشد تا تمدنی را که پس از دوره استعمار کهنه و نو تبدیل به جسدی نیمه جان گردیده، احیا و با استفاده از خود علایم حیاتی آن را تقویت کند.

تمدن نوین اسلامی:

انقلاب اسلامی: دگرگونی بنیادی در نظام اجتماعی

نظام اسلامی: تحقق طرح کلی نظام اسلامی و تغییر هندسه عمومی جامعه

دولت اسلامی: تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی

جامعه و کشور اسلامی: تحقق اهداف اجتماعی اسلام در جامعه اسلامی

تمدن بین‌المللی اسلامی: هدف کلان انقلاب اسلامی.

این مراحل به صورت تدریجی تحولاتی در جامعه پدید می‌آورند:

۱_ انقلاب اسلامی

۲_ نظام اسلامی

۳_ دولت اسلامی

۴_ کشور اسلامی

۵_ تمدن بین‌المللی اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی:

بیانیه به این نکته توجه می‌دهد که با حرکت مردم و رهبری ولایت فقیه تحولاتی در انقلاب اسلامی روی داد یک مسیر جدید را ایجاد کرد:

پایان دادن به انحطاط تاریخی دوران قاجار و پهلوی و تحقیر و عقب ماندگی شدید،

تبدیل رژیم سلطنتی استبدادی به حکومت مردم سالار،

وارد کردن عنصر اراده ملی در مدیریت کشور،

میدان داری جوانان در عرصه مدیریت کشور.

نتایج بیانیه:

این حرکت مردمی در گام نخست خود نتایجی را به دنبال آورد:

ایستادگی در برابر زورگویان و مستکبران جهان،

افزایش عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه،

رشد عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور،

تضمین ثبات و امنیت و تمامیت ارضی ایران.

بیانیه گام دوم در باره این مسائل به جوانان و عموم مردم هشدار داد:

بی استفاده یا کم استفاده ماندن بسیاری از ظرفیت های طبیعی و انسانی کشور،

رویگردانی از ارزش های دینی،

بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی،
تحلیل های غلط و همراهی عناصر داخلی با سیاست رسانه ای دشمن،
عیوب ساختاری،
ضعف های مدیریتی،
زیان های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی.

الزامات امور دانشگاهیان برای تمدن سازی:

کنشگری فعال اجتماعی، رصد کاستی های اجتماعی، نگرش کلان به رویدادها و جریان ها، مطالبه گری از حکمرانان، تکاپوی علمی و تولید علم، تقویت معنویت و اخلاق.